

زیر درختان زیتون

انتشار آلبوم «سرانجام گاهی» با شعر و صدای احمدرضا احمدی

- گروه هنر:** آلبوم اشعار احمدرضا احمدی با

صدای او و موسیقی اردوان وثوقی به مناسبت هشتادمین سالگرد تولد این شاعر بزرگ منتشر شد. این آلبوم به تهیه‌کنندگی مؤسسه مردم‌نهاد مهرکیتی ساخته شده و چاپ و انتشار آن توسط استودیو صبا صورت گرفته است. تمامی عواید حاصل از فروش این اثر توسط مؤسسه مهرکیتی به مدرسه‌سازی در مناطق کم‌تربرخوردار کشور اختصاص خواهد یافت. به گزارش روابطعمومی مهرکیتی، رضا اسماعیلی، عضو هیئت‌مدیره مهرکیتی، در این خصوص اظهار کرد: «ضمن تبریک تولد استاد احمدی عزیز باید گفت افتخار بزرگی است که این اثر فاخر فرهنگی توسط مهرکیتی انتشار یافته تا ضمن کمک به ارتقای سطح فرهنگ عمومی، عواید فروش آن به ساخت مدارس در مناطق کم‌تربرخوردار نیز کمک کند. مؤسسه مردم‌نهاد مهرکیتی یک مؤسسه نیکوکارانه است که با همراهی خیرین عزیز تاکنون بیش از ۳۶۰ مدرسه در مناطق کم‌تربرخوردار کشور ساخته است.» اردوان وثوقی، آهنگساز و تنظیم‌کننده این اثر نیز درخصوص تهیه این آلبوم گفت: «ساخت موسیقی روی شعر و صدای شاعری مانند احمدرضا احمدی برای من مسئولیتی تاریخی، انتخابی دشوار و بختی بلند بود. ازاین‌رو لازم می‌دانم پاره‌ای توضیحات درباره ساخت این آثار ارائه دهم. برای حفظ نقش تاریخی صدای شاعر و اصالت اشعار، تن صدای شاعر و روایت اشعار را موضوع اصلی ساخت موسیقی قرار دادم و از آهنگ‌سازی مستقل فاصله گرفتم. انتخاب بر آن گذاردم که همه امکانات صدا را در خدمت شعر و صدای شاعر بگذارم تا به محصول شنیداری واحدی برسیم و شعر یا موسیقی تحت‌الشعاع یکدیگر قرار نگیرند و به نوعی به موسیقی شعر دست یابیم.» وی در ادامه افزود: «پروژه ساخت موسیقی این اثر بسیار سخت‌گیرانه و باکیفیت بود، به‌طوری‌که ضبط تمامی سازها و گروه کر به صورت زنده انجام شد. یک گروه ۸۰ نفره در تهیه موسیقی این اثر همکاری کردند، از جمله گروه کر فیلارمونیک ایران به رهبری علیرضا شفقینژاد که یکی از بزرگ‌ترین و موفق‌ترین گروه‌های کر در کشور هستند.» احمدرضا احمدی، شاعر برجسته معاصر، ۳۰ اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۹ در کرمان به دنیا آمد و در سال ۱۳۳۴ با خانواده به تهران کوچ کرد. او در سال ۱۳۴۳ به همراه نادر ابراهیمی، محمدعلی سپانلو، بهرام یضایی، اکبر رادی و چند نفر دیگر گروه ادبی «طرفه» را با هدف دفاع از هنر موج نو تأسیس کرد. احمدرضا احمدی مهرماه ۱۳۴۹ در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان مشغول به کار شد. تدوین ردیف موسیقی ایرانی، آوازهای محمدرضا شجریان، شعرخوانی، ضبط صدای شاعران مهم و … از جمله فعالیت‌های او در کانون بوده است. او ۲۰ سالگی به طور جدی به سرودن شعر پرداخت. نخستین مجموعه شعرش را با عنوان طرح در سال ۱۳۴۰ منتشر کرد که توجه بسیاری از شاعران و منتقدان دهه ۴۰ را جلب کرد. احمدی پس از آن به یکی از شاعران تأثیرگذار معاصر بعد از نیما و شاملو در میان شاعران پس از خود مبدل شد. او همچنین آثاری در ادبیات کودک و نوجوان دارد. از احمدرضا احمدی بیش از ۱۸ مجموعه شعر، ۱۵ کتاب برای کودکان، دکلمه اشعار خودش در کاست یادگاری و اشعار حافظ، نیما، سهراب سپهری و شاعران معاصر منتشر شده است. در سال ۱۳۷۸ کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در مراسم روزگذاشت احمدرضا احمدی، تندیس مداد پرنده را به او اهدا کرد. در سال ۱۳۸۵ به‌عنوان شاعر برگزیده پنجمین دوره جایزه شعر بیزن لالایی انتخاب شد و در سال ۱۳۸۸ نامزد دریافت جایزه هانس کریستین آندرسن شد.

مدیرکل هنرهای تجسمی وعده داد بازگشایی موزه هنرهای معاصر تهران تا پایان تابستان

گروه هنر: هادی مظفری، مدیرکل هنرهای تجسمی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ابراز امیدواری کرد که موزه هنرهای معاصر تهران از پایان تابستان بازگشایی خواهیم کرد. به گزارش واحد ارتباطات و رسانه اداره کل هنرهای تجسمی، مظفری با اعلام این خبر، بیست‌ونهم اردیبهشت‌ماه روز جهانی موزه و میراث فرهنگی را به تمامی مدیران، کارکنان و فعالان این حوزه تبریک گفت. این موزه شاهرکارهای هنری از تمام دنیا نگهداری می‌شود که باید در این مرمت اصل آثار بدون آسیب بمانند و کار مرمت نیز باید طبق یک قاعده درست و صحیح انجام شود. تقریباً طی بیش از ۴۰ سال که از عمر موزه می‌گذرد همه قسمت‌ها از جمله تهویه این مکان دچار فرسایش شده بود و باید مرمت صورت می‌پذیرفت و دولت تصمیم گرفت این کار را انجام دهد و سختی کار را به جان خرید. امروز بیش از ۸۶ درصد کار بازسازی و بهسازی موزه هنرهای معاصر تهران، پیش رفته و امیدواریم که تا پایان نیمه نخست همین امسال، یعنی پایان تابستان موزه هنرهای معاصر تهران بازگشایی شود.

مجله اشپیگل در دو شماره ۵ و ۷ ماه می سال جاری نحوه مدیریت بحران برای مقابله با عوارض ویروس منحوس کرونا را بین کشور فقیر و بحران‌زده یونان از یک طرف با کشورهای پیشرفته و ثروتمند اروپای غربی از طرف دیگر و بین دو بندر مشابه یکی هنگ‌کنگ در شرق آسیا و دیگری نیویورک در شرق آمریکا به‌عنوان دو کلان‌شهر با شرایط تقریباً برابر از نظر تراکم جمعیت و همچنین مرکز عمده چرخش مسافر و کالا با هم مقایسه کرده و علل تفاوت فاحش عوارض ناشی از کرونا را از مدیریت بهتر بحران در یونان در مقایسه با اروپای غربی و هنگ‌کنگ در مقایسه با نیویورک دانسته‌ است که شایان تأمل و تعقل است. این نوشتار برگرفته از مطالب دو مقاله این مجله معتبر آلمانی است که تأثیر نحوه مقابله با آسیب‌های اجتماعی -در اینجا ویروس کرونا- در کاهش درخور توجه تلفات جانی و خسارت‌های مالی را در مدیریت قاطع و هوشمند حوادث و بحران‌ها در یونان و هنگ‌کنگ توضیح می‌داد.

۱- مقایسه مدیریت بحران در یونان با کشورهای ثروتمند و پیشرفته اروپای غربی مانند آلمان و فرانسه. درحالی‌که در اثر کووید-۱۹ کشورهای اروپای غربی مانند ایتالیا، اسپانیا و انگلیس فلج شده و آمار مبتلایان و کشته‌های آنها سرسام‌آور شده است و آلمان و فرانسه پیشرفته و ثروتمند و دارای سیستم بهداشت و درمان مجهزتر از یونان یک‌دسام با حدود ۱۷۰ هزار فرد مبتلا به ویروس کووید-۱۹و به ترتیب با هفت‌هزارو ۵۰۰ نفر و ۲۶هزار ۲۰۰ نفر فوتی هم‌اکنون وضعیت نابسامانی در مقابله با این اپیدمی را دارند. کشور یونان با ۱۱ میلیون جمعیت نسبتاً مسن در جنوب شرق اروپا و در همسایگی ترکیه‌ای که سیل پناه‌جویان سوری را به سمت یونان سوق داده است و در شرایط شدیدا بحران اقتصادی با جمعیتی مس‌تر و وضعیت بهداشتی و درمان نامناسب‌تر از کشورهای اروپای غربی شرایطی را نشان می‌داد که کارشناسان احتمال فاجعه‌آمیزشدن شیوع کرونا در یونان را پیش‌بینی می‌کردند. اگرچه دولت یونان می‌دانست که با بسته‌شدن همه مراکز سیاحتی، اقامتی و رستوران‌ها ضربه سنگینی به اقتصاد ضعیف و تورپرستی این کشور وارد خواهد شد و افزایش بی‌کاری را به بالاتر از ۲۰ درصد هم محتمل خواهد کرد؛ اما برای مبارزه با آفت این ویروس و حفظ سلامت جامعه به این زیان اقتصادی تن داد. باید در نظر بگیریم که در یونان تراکم ناشی از پناه‌جویان جنگ سوریه و عراق در اردوگاه‌های این کشور و هجوم آوارگان سوری به مرز مشترک ترکیه با یونان وضعیت این کشور ورشکسته اقتصادی را با چالش‌ها و بحران‌های مضاف و شدیدتری در مقایسه با مناطق دیگر اروپا روبه‌رو کرده بوده است؛ اما مشاهده می‌کنیم که یونان با وجود این شرایط سخت با مدیریتی منطقی نه‌تنها فلج نشد؛ بلکه براساس آمار رسمی با ۱۴۴ فوتی از دوهزارو ۶۲۶ مورد ابتلا به کرونا کم‌ترین خسارت ناشی از بحران کرونا را بر اثر مدیریت عاقلانه و سریع بحران داشته است؛ به‌طوری‌که اکنون کشور را در آستانه رهاکردن از محدودیت‌های اجتماعی و خروج از شرایط قرنطینه قرار داده است؛ چیزی که تحسین دیگر کشورها و سازمان جهانی بهداشت WHO را برانگیخته است. براساس مقاله اشپیگل کارشناسان علت موفقیت یونان در مقابله با این ویروس خطرناک را عکس‌العمل سریع دولت این کشور در رعایت پروتکل‌های بهداشتی- درمانی و پیروی بدون قیدوشرط از توصیه‌های علمی متخصصان و کادر بهداشتی- درمانی کشور خود می‌دانند.

اقدامات دولت یونان برای مبارزه با کرونا

۱-۱. درحالی‌که کشورهای دیگر بیشتر به دلایل مختلفی مانند رکود اقتصادی در برخورد با این آفت در حال گسترش، مماشات و بی‌بمالتی را پیشه می‌کردند، دولت یونان با وجود بحران اقتصادی و بی‌کاری حاد به خطاهای دانشمندان یونانی سریع‌عا عکس‌العمل مناسب نشان داده و با ماه فوریه (بهمن ۹۸) و با مشورت کارشناسان مجرب و سرشناسی مانند Elia Mossialos که رئیس بخش سیاست سلامت در دانشگاه معتبر اقتصاد لندن-London School of Econom ics است، به توصیه آنها توجه و با دقت و جدیت به پیشنهادهای آنها عمل

ادامه از صفحه اول

دو کشور بزرگ‌ترین بازار مصرف محصولات یکدیگر هستند و بازار مالی و سرمایه‌گذاری آنها نیز به بیشترین حد در سطح خود در تاریخ اقتصاد بشری در حوزه جغرافیایی یکدیگر سرمایه‌گذاری کرده‌اند. به‌همین‌دلیل بسیاری از صاحب‌نظران معتقدند در صورت اجرای وعده ترامپ زلزله عظیمی اقتصاد آمریکا و به تبع آن اقتصاد جهان را تکان خواهد داد. بسیاری معتقدند اقتصاد آمریکا و جهان آمادگی چنین تنش و زلزله‌ای را ندارد و ادامه مشارچرات می‌تواند وارد فاز نظامی شود که پیش‌بینی آن با وجود چیرگی قوه نظامی آمریکا به‌سادگی امکان‌پذیر نیست. چنین اقتصاد دوم جهان و اولین طرف تجاری بیش از ۱۴۲ کشور است و هر تغییری می‌تواند اقتصاد و تجارت جهانی را به سرعت و عمیقاً تحت تأثیر قرار دهد؛ اما این پیوندها صرفا در حوزه تجاری و مالی نیست و در ۳۰ سال گذشته دامنه وسیع‌تری به خود گرفته؛ بنابراین هرگونه اقدام منوط به لحاظ‌کردن همه ابعاد این تعامل است. به‌همین‌دلیل برای درک عمیق‌تر این موانع و ابعاد این موضوع می‌توان به بخشی از این اثرات به شرح زیر اشاره کرد:

۱. بدهی عظیم مالی آمریکا به چین به بیش از هزارو ۲۴۰ میلیارد دلار بالغ می‌شود. تصمیم چین درباره این بدهی عظیم هرچند دوسویه بوده و می‌تواند برای چین از یک اقتصاد جهان هم دردرس‌زاید به هر دو منافع باشد؛ اما همیشه طلبکاران ابتکار عمل در شیوه بازپرداخت بدهی را تعیین می‌کنند. سرنوشت و شیوه تعامل به این بدهی عظیم همواره برگ برنده چینی‌ها در مواجهه با آمریکا خواهد بود.

۲. چین از طریق شرکت‌های دولتی و نیمه‌دولتی خود بسیاری از سهام محصولات شاخص آمریکایی را در بازار بورس به صورت کامل یا درصدی از سهام آنها را خریداری کرده است. مالکیت این سهام علاوه بر سرنوشت و مسیر آینده مدیریت این شرکت‌ها را به دست چین داده است. با شروع مقابله دو نظام سیاسی دست چین در تأثیرگذاری بر این مبادلات بازر را آمریکا است؛ چون سرنوشت این شرکت‌ها را در دست خود خواهد داشت.

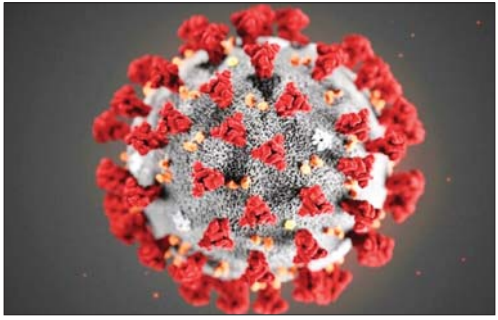
۳. چین با جمعیت یک‌میلیارد و ۴۰۰ میلیونی خود اصلی‌ترین بازار مصرف

مقاله . هنر

تأثیر مدیریت بحران بر شیوع و میزان کشتار کووید۱۹

عالی جناب ویروس تاجدار

رسول اژنیان - استادیار بازنشسته فیزیک



کرده است؛ درصورتی‌که بسیاری از جوامع آن را سخت‌گیری‌ها غیرضروری رادیکال می‌پنداشتند. ۲-۱ بعد از شناسایی اولین بیمار مبتلا به کرونا در اواخر فوریه (اوایل اسفند) دولت یونان با وجود اعتراض شدید گروه‌های مختلف اجتماعی برگزاری کارناوال‌های سنتی هرساله در خیابان‌ها را ممنوع کرد. از اوایل مارس هم (اواسط اسفند) تمام مدارس، سینماها، فروشگاه‌ها، موزه‌ها، رستوران‌ها و کلیساها را تعطیل کرد. همچنین مرزهای کشور بسته شده و ترافیک هوایی محدود شد و تمام یونانی‌ها موظف شدند در موقع خروج از خانه‌های خود آن را با پیامک اطلاع‌رسانی کنند. محققان یونانی معتقدند اگر فقط یک هفته در شروع این عملیات تأخیر افتاده بود، یونان هم به سرنوشت دیگر کشورهای اروپایی مانند اسپانیا گرفتار می‌شد. ۲-۱ اغلب مردم یونان با اینکه از حاکمیت کشورشان ناراضی بودند؛ اما استثنا در این‌باره به دستورالعمل‌های دولت مانند فاصله‌گذاری اجتماعی عمل کردند که در محبویت دولت به خاطر عکس‌العمل به‌موقع تا حدود ۸۷ درصد افزایش یافت. ۲-۱ یونان با این مدیریت عاقلانه بحران امکان یافت که تعداد تخت‌های اضطراری بیمارستانی مانند ICU و CCU خود را تا ۷۰ درصد افزایش داده و سه هزار نفر جدید به کادر بیمارستانی خود اضافه کند. اگرچه بحران اقتصادی یونان با بازشدن تدریجی فضای کسب‌وکار تشدید خواهد شد؛ اما چون یونانیان توانستند مسئولیت‌پذیری خود را به نمایش دهند، امید دارند که زودتر از دیگران بر عواقب بحران اقتصادی هم غلبه کرده و آن را هم پشت سر گذارند.

۲. آمار مقایسه نیویورک با هنگ‌کنگ

کلان‌شهر نیویورک با جمعیت ۸.۴ میلیون نفر و با تراکم بالای ۱۰ هزار نفر در هر کیلومتر مربع و هنگ‌کنگ با ۷.۵ میلیون نفر و با تراکم جمعیتی هفت‌هزارو صد نفر در هر کیلومتر مربع ساختار جمعیتی نزدیک به هم را داشته و در هر دو شهر به دلیل قیمت بالای زمین برج‌نشینی و استفاده از آسانسور رایج است. اگرچه در هر دو شهر به دلیل مراکز تجاری پیشرفته شرایط مساعدی برای مقابله مؤثر با این اپیدمی وجود دارد؛ درعین‌حال چرخش تجارت بین‌المللی و ترافیک زیاد انسان‌ها از نقطه‌ضعف‌های این دو شهر محسوب می‌شود. هر دو شهر دارای فرودگاه‌ها و بنادر حمل‌ونقل بزرگ انسانی و تجاری هستند و شرکت‌های هواپیمایی سرشاس برای جابه‌جایی مسافر و کالا و تغییر مسیر از فرودگاه‌ها هم در دو شهر زیاد بهره می‌برند. در سال ۲۰۱۸ نیویورک قریب به ۶۵ میلیون و هنگ‌کنگ حدود ۵۶ میلیون بازدیدکننده داشته‌اند که در مسافر می‌توانسته ناقل هر ویروسی به این بنادر متراکم باشد. اگر هنگ‌کنگ مرز مشترک با چین دارد، در نیویورک هم با حدود ۵۷۰ هزار نفر بزرگ‌ترین کلونی چینی‌های خارج از آسیا زندگی می‌کنند. با وجود اینکه شرایط هر دو شهر برای شیوع کووید۱۹ تقریباً یکسان بود و رعایت فاصله‌گذاری هوشمند هم در وسایل نقلیه عمومی و مترو و همچنین در آسانسورها هر دو شهر برابر مقابله با ویروس کرونا غیرممکن بوده است؛ اما باز هم خسارت وارده به دو شهر کاملاً متفاوت بود؛ مثلاً بعد از ۵۰ روز از ثبت صد مورد از مبتلایان به کرونا در هر دو شهر آمار

ادعای غرامت یا سلطه کرونا بر عرصه سیاست؟

واقف است. اما این چیرگی تکنولوژیک تاکنون تنها عکس‌العملی را که از سوی آمریکا با خود به‌همراه داشته است، مقاومت و برخورد قهرآمیز بوده است. در بهره‌گیری از تکنولوژی قطار سریع‌السیر نیز همین قاعده برقرار است. آمریکا نه‌تنها از نظر سطح تکنولوژیک در برخی زمینه‌ها مغلوب قدرت تکنولوژیک شده است، بلکه قیمت تمام‌شده برخی صنایع نازل این فناوری‌ها باعث شده است که به‌شدت به چین وابسته شود. هم‌اکنون شهرهای لس‌آنجلس، بوستون و نیویورک مترویی پرسرعت خود را به چین سفارش می‌دهند و نخستین گروه قطارهای ساخته‌شده این کشور در بوستون مورد بهره‌برداری قرار گرفته است. سیستم قطارهای پرسرعت چین این سرعت حدود ۳۵۰ کیلومتر در ساعت در بیش از ۳۰ هزار کیلومتر از خا این کشور در حال فعالیت است. ۵. وابستگی شدید آمریکا به چین در تأمین عناصر نادر و کمیاب، در برخی از صنایع حساس و استراتژیک ضروری است. آمریکا نیازمند عناصر و فلزات بسیار کمیابی است که اصلی‌ترین تأمین‌کننده آنها در شرایط فعلی کشور چین است و عدم ضمانت تأمین آن می‌تواند چرخه صنایع استراتژیک آمریکا در صنایع نظامی و الکترونیک را متوقف کند. حتی اگر برخی از این عناصر نایاب را بتواند در خاک خود تأمین کند، سرعت، قیمت، و هزینه زیست‌محیطی آن بسیار بیشتر از واردات آن از چین خواهد بود.

۶. هیچ کشور دیگری در جهان به اندازه آمریکا نقش و سهم در جذب دانشجویان چینی ندارد. هم‌اکنون بیشتر از ۴۰۰ هزار دانشجو چینی در آمریکا تحصیل می‌کنند که به‌صورت تقریبی سالانه ۳۰ میلیارد دلار در آمریکا هزینه می‌کنند و باعث پایداری شاغلان زیادی در این کشور می‌شوند. البته ناگفته نماند که بیشتر از ۱۰ درصد این دانشجویان پس از اتمام دوره تحصیلی آمریکا را به مقصد کشور خود ترک می‌کنند و بسیاری از تکنولوژی‌های برتر و موجود چین ازطریق همین دانشجویان در سه دهه گذشته به چین منتقل شده است. نظام آموزش عالی آمریکا که با مشکلات مالی فراوانی روبه‌رو است، توان تحمل هزینه حذف دانشجویان چینی را نخواهد داشت.

۷. صنعت تورسم آمریکا به‌شدت تحت تأثیر جهانگردان کثیر و سخاوتمند چینی است. سالانه حداقل دو میلیون چینی به آمریکا سفر می‌کنند و هر تورست چینی بین شش تا هفت هزار دلار در آمریکا هزینه می‌کند. هزاران شغل در آمریکا همچون هتل‌داری و گردشگری وابسته به این سفرهای توریستی است؛ سفرهایی که در پنج ماه گذشته متوقف شده و باعث بی‌کاری میلیون‌ها نفر شده است.

۸. قدرت عظیم تکنولوژیک امنیتی و فضایی چین ریسک رودرویی نظامی

مبتلایان در هنگ‌کنگ به هزارو ۵۲ نفر؛ ولی در نیویورک به ۱۶۹هزارو ۶۹۰ بیمار کرونایی رسیده بود. و این سؤال مطرح است که چگونه توجیه‌پذیر می‌شود که ۷ تا می تعداد فوتی‌های کووید ۱۹ در نیویورک به ۱۷هزارو ۱۷۴؛ اما در هنگ‌کنگ چهار نفر بوده است.

۲-۱ **مدیریت بحران در هنگ‌کنگ:** موقعی که در ۲۳ ژانویه (۳ بهمن) شهر وهوان مسدود و قرنطینه آن آغاز شد، دو نفر مبتلا به کرونا هم در هنگ‌کنگ شناسایی شدند. بلافاصله مسئولان شهر با یادآوری اپیدمی سارس ۲۰۰۳ فورا زنگ خطر را به صدا درآوردند و شروع به تست گسترده مردم شهر کردند. آنها افراد مشکوک به کرونا را از دیگران جدا و ایزوله کرده و هر فرد تازه‌وارد به شهر را قرنطینه می‌کردند. مدارس تعطیل و تجمع‌های بزرگ ممنوع شد. عبورومرور از مرزها را به تدریج محدود کردند و در نهایت در پایان مارس (اوایل اردوبردین) فقط اهالی هنگ‌کنگ مجوز ورود (با شرایط قرنطینه خانگی) را داشتند. براساس یک گزارش تحقیقی ۹۹ درصد هنگ‌کنگی‌ها هم در خارج از منزل از ماسک استفاده می‌کردند. از این نظر دولت هم نیازی به بسته‌کردن کامل فضای کسب‌وکار احساس نمی‌کرد.

۲-۲ **مدیریت بحران در نیویورک:** اما در نیویورک موقعی که در اوایل مارس (اواسط اسفند) اولین مورد ابتلا به کووید-۱۹ شناسایی شده بود- براساس گزارش تحقیقی بعدی دانشمندان -ویروس کرونا به طور نامحسوس و شناسایی نشده از چندین هفته قبل‌تر از آن در فضای شهر پراکنده شده بود. اگرچه رئیس جمهور آمریکا در اواخر ژانویه (اوایل بهمن) ورود مسافرانی را که ۱۴ روز قبل از آن به چین سفر کرده بودند، به آمریکا ممنوع اعلام کرد؛ اما مسافرین اروپایی هم- که با گزارش‌های جدید موارد مبتلا به کرونا در فرانسه قبلاً وجود داشته است- می‌توانسته‌اند ناقل ویروس باشند، ممنوع نشده بود. گذشته از

این مدیریت شهری نیویورک بسیار دیرتر از بقیه شهرهای دیگر درگیرشده به ویروس کرونا در آمریکا عکس‌العمل جدی نشان داد و مردم را به ماندن در خانه فراخواند و موقعی که تعداد مبتلایان به‌شدت افزایش یافته بود، دیگر سیستم درمان نیویورک توانایی درمان و مقابله با سیل عظیم مبتلایان به این بلا۱ گشنده را نداشت و این بی‌بمالتی و مسامحه‌کاری مدیریتی در مقابله با یک بحران پیش‌بینی‌پذیر تأثیرات ویرانگر و خشتکانی بر طبقات مختلف جامعه این شهر به‌ویژه افراد آسیب‌پذیر بر جای گذاشت. علاوه بر ناخبرهای غیرموجه در عکس‌العمل با یک بحران شهری یک بدشناسی دیگر هم گریبان نیویورکی‌ها را گرفت که سرعت انتقال و شیوع پاندمی در این شهر را تسریع کرده و باعث افزایش مرگ‌ومیر در بین آنها شد؛ مثلاً یک فرد مبتلا به کرونا نواسته بود به دست‌کم صد نفر دیگر این ویروس را انتقال دهد.

نتیجه‌گیری: چون براساس همه دیدگاه‌ها، اپیدئولوژی‌های دینی و اجتماعی جان انسان‌ها از هر مصلحت‌اندیشی دیگر شخصی یا حزبی و اقتصادی ارزش بالاتری دارد؛ بنابراین هرگونه مامشات، سهل‌انگاری و کوتاهی در برخورد با عوامل تهدیدکننده سلامت و جان انسان‌ها جانیی در حق بشریت است. خواه این سهل‌انگاری ناشی از جهالت فردی یا اجتماعی، خرافه‌پرستی، اصالت‌دادن به مصالح فردی یا حزبی یا ترجیح منافع اقتصادی بر جان بشر باشد، خطا و قتل نفس و جانیی نابخوشودنی است. قتل با هر وسیله‌ای که باشد، قتل است و گناهی کبیره است که شایان مجازات دنیوی و اخروی است؛ چه این قتل نفس با چاقو، خمپاره، موشک و با توصیه‌های درمانی افراد غیرمرتبط با دانش پزشکی، چه ناشی از آلودگی محیط زیست، چه دنامکاری مسئولان مدیریت اجتماع یا لجبازی نابکرانه با سلامت مردم، چه معالجه بیماران در محیط و شرایط نامناسب، چه با تجویز داروی نادرست، با ترافیک غیرکارشناسی اجتماعی، چه به مدیریت افراط‌ناپذیر یا نادرست درمانی با حمایت شهری باشد، خسارت‌های جبران‌ناپذیری را به بار می‌آورد که باید از آن اجتناب کرد. **برگرفته از مقاله‌های مجله اشپیگل ۵ و ۷ ماه می ۲۰۲۰**

یادداشت

نگاهی به برنامه «باغ رمضان» راه خودش را می‌رود

● رستاخیز «تاک‌شو»های ایرانی در دوره تازه احتمالاً با «کوله‌پشتی» فرزاد حسنی شروع شد، عاقب آن برنامه، البته خوش نبود؛ بعدتر «خندوانه» و «دوره‌می» هم شکل‌هایی کارن‌شده از «تاک‌شو» را به تلویزیون ایران عرضه کردند، هر کدام البته با تفاوت‌هایی.

یک برنامه اما در این میان جایگاهی خاص پیدا کرد، به چند دلیل؛ یکی اینکه از رقیق‌ترین احساسات مخاطب بهره می‌برد و دو اینکه این بهره‌برداری را در قاطع با یک مناسبت مذهبی، عرضه می‌کرد. «ماه عسل» با همین روش سال‌ها جولان داد و در کمال شگفتی بر برنامه‌های ماه رمضان بعد خودش هم تأثیر زیادی گذاشت. برنامه‌های امسال تلویزیون را ببینید، گل سرسبدش همین «دعوت»، شکل دست‌کاری‌شده‌ای از همان «ماه عسل» است؛ برنامه‌ای که از تجربیات شخصی میهمانشان نقّس می‌گیرد و اوج چنین رویکردی، مشخص است.

آنجا که میهمان، رفتاری خارج از قاعده انجام دهد و ابهت دوربین را بشکند، «دعوت» موفق می‌شود و ویدئوهاش در اینستاگرام دیده خواهد شد.

این دقیقاً همان روشی است که «ماه عسل» را به اوج رساند. «دعوت»، جنس اصل نیست، پس نهایت‌قله‌ش کمی قبل از «ماه عسل» خواهد بود. هدف تخطئه «دعوت» و دیگر برنامه‌های مشابه تلویزیون نیست، اما قضاوت در قیاس ممکن می‌شود.

خارج از ستارخ تلویزیون اما در همین شب‌ها برنامه‌ای عرضه می‌شود که در ارائه محتوا چیدمان دارد؛ یعنی موزیک، معنویت و گفت‌وگو را در قالب یک پک به مخاطبش می‌دهد.

«باغ رمضان» محصول مهندسی افکار عمومی است؛ برنامه‌ای که در موسیقی تیتراژ از صدای درست و قدرنادیده «حامی» استفاده می‌کند.

اگر مجری روحانی دارد، «ژانری» است. همو که دانما حضوری پر قدرت در شبکه‌های اجتماعی داشته و به قولی یک روحانی چدکاره است و قمار روی او، قمار برنده است. مصاف بر اینکه نبض اجتماع را بدواسطه همین حضور پر قدرت در شبکه‌های اجتماعی می‌شناسد و اگر قرار است نماد آدپیت‌بودن روحانیت باشد، نماد به اندازه‌ای است، یعنی حضورش در این جایگاه باسماهی و فرمایشی به نظر نمی‌رسد.

به همین دلیل وقتی او با ویدئوکل، رامبد جوان را میهمان برنامه می‌کند، باورپذیر به نظر می‌رسد.

او را دانم در توینر دیده‌ایم و نسبتش با ویدئوکل و با سلب‌برتی چون رامبد جوان یک نسبت عینی است و جالب اینجاست که اتقدر حضور ژانری چفت بوده که نوع اجرای پرتعارف و تکلف حسینیان، تئوی ذوق می‌زند؛ درواقع بسیاری از گفت‌وگوهای برنامه از سمت حسینان لُنگ می‌زند، او که اساساً میانه‌ای با گفت‌وگوی چالشی ندارد و ایجاد نوعی از قهاهم و صمیمیت بی‌خطر با میهمان برنامه را به ایجاد جالش و راانداختن یک موج رسانه‌ای ترجیح می‌دهد، شاید انتخاب کسی مثل شهیدری‌فر هم به کلیت این برنامه می‌آمد و هم «باغ رمضان» را بهتر از کیفیت فعلی می‌کرد.

این تأکید روی کیفیت کار مجریان، منطق با ذات «تاک‌شو»هاست و در همه‌جای دنیا، «تاک‌شو» و مجری وابسته هم هستند و در برنامه‌ای که حامدانه دکوری خلوت و آکسواروی کمینه دارد، نیاز به اجرای خوب بیشتر از پیش به نظر می‌رسد.

خصوصاً اینکه گنج‌اندن موزیک و پاساژهایی این‌چنینی، غالباً برای استراحت ذهنی مخاطب و دادن ضربان‌ها به برنامه و اصل همان گفت‌وگو است. وقتی برنامه‌ای میهمانانی چون ضراغمی یا آصفی دارد، کلی سوزّه‌های خبرساز می‌تواند خلق کند که درباره آصفی، کم و درباره ضراغمی روحانی و ضراغمی از خلال آن مصاحبه، خبرساز شود، گفت‌وگوهای از سال‌ها صدزشتینی ضراغمی را فاش می‌کند. تصور کنید مقابل او مثلاً فرزاد حسنی یا شهیدری‌فر نشسته بود، خب! نتیجه فرق می‌کرد.

با همه اینها «باغ رمضان»، «تاک‌شو»ی موفق رمضان امسال است، چون بسیاری از راه‌های موفقیت را در مرحله پیش تولید و در اتاق فکرش طی کرده و مثلاً می‌داند در شب حادثه «کنارک» بازیگر «جنگ نفتکش‌ها» را به‌عنوان میهمان داشته باشد.

می‌داند ارائه ترکیب متناسبی از معنویت و جذابیت نیاز به یک ریاضی دقیق دارد و به قولی این ترکیب را فرمولیزه کرده است. «باغ رمضان» مرعوب دکور و کلوزآپ و دکوپاژهای سانی مانالان نمی‌شود و از همه مهم‌تر راه خودش را می‌رود، راهی سهل و ممتنع؛ چگونه هم اسپانسر را راضی‌کردن و هم مخاطب را، دو نگاه از دو زاویه متفاوت را به‌تفاهم‌رساندن و به دامان هیچ‌کدام نینفادن.